



سنجش پویا

اشاره

در طول تاریخ، افراد همواره برای ثابت کردن توانایی‌ها و تجربه‌ها یا تأیید استعدادهایشان مورد سنجش قرار می‌گرفته‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند، سنجش و آموزش باید یکپارچه و جدایی‌ناپذیر باشند. این دو در نظریه فرهنگی-اجتماعی ویگوتسکی با هم ترکیب می‌شوند و در قالب سنجش پویا تلاش می‌شود در راستای رشد ذهنی یادگیرندگان، پس از شناسایی ظرفیت‌های بالقوه ایشان، از طریق برنامه‌ریزی مناسب، بستری مطلوب برای کاهش شکاف بین توانایی‌های شناختی بالقوه و بالفعل فراهم شود. مقاله حاضر مفهوم سنجش پویا و مدل‌های به‌کارگیری آن در آموزش را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سنجش پویا، منطقه تقریبی رشد^۱، میانجیگری^۲

مقدمه

در دوران معاصر، سنجش در فرایند آموزش به‌قدری مهم تلقی شده است که برخی از صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی مانند **تایلر** آن را مرکز فرایند آموزش قلمداد کرده‌اند (به نقل از ولف، ۱۹۸۴، ترجمه علیرضا کیامنش، ۱۳۷۵). سنجش در حال حاضر به‌صورت رشته‌ای علمی و کاملاً تخصصی و مستقل از سایر شاخه‌های تعلیم‌وتربیت هویت یافته است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای توسعه کیفیت آموزش به کار گرفته شود، طوری که بهبود و توسعه سنجش، بهبود و ارتقای آموزش را به ارمغان می‌آورد (پنهایزن، پلتنبرگ و کولوو، ۲۰۱۱، وانگ، ۲۰۱۴). سال‌هاست به روش‌های سنجش سنتی، به جهت نبود توجه به تفاوت‌های فردی،

اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان و در نظر گرفتن انگیزه‌ها، علاقه‌ها و سطح بهره‌مندی افراد از آموزش، اعتراضات شدیدی وارد شده است. همچنین، آزمون‌های سنتی که در اکثر محیط‌های آموزشی اجرا می‌شوند، به دلیل ارائه‌نشدن بازخورد آموزشی کافی به یادگیرندگان، همواره مورد انتقاد بوده‌اند (کارنی و چافی، ۱۹۹۰، کازلین و گرب، ۲۰۰۲، استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۲). **استرنبرگ، گریگورنکو و پوهنر (۲۰۰۸)** این نوع سنجش را ایستا یا غیرپویا^۱ می‌نامند که در آن هر یادگیرنده باید بدون دریافت بازخورد یا مداخله به پرسش‌های آزمون پاسخ دهد. علاوه بر این، افزایش یادگیری که هدف اصلی تعلیم‌وتربیت است، به‌طور عمده در سنجش غیرپویا نادیده گرفته شده است. در این میان سنجش پویا از طریق تعامل با فراگیرندگان فرصت یادگیری مجدد را برای آنان فراهم می‌کند (الیوت، ۲۰۰۳).
به گفته **لئونگ**، سنجش پویا بر تعاملی پویا بین آزمون‌گیرنده و آزمون‌دهنده مبتنی است که در آن آزمون‌گیرنده با پشتیبانی مناسب در قالب پرسش‌های هدایت‌کننده،^۲ تسهیلگرهای فراشناختی^۳ و دیگر شکل‌های بازخورد به مشکلات آزمون‌دهنده پاسخ می‌دهد. هدف از این روش، نشان دادن حداکثر عملکرد دانش‌آموزان در شرایطی است که کمک دریافت می‌کنند (پوهنر و لنتلف، ۲۰۰۵). نظریه منطقه تقریبی رشد ویگوتسکی مبنای نظری سنجش پویاست و به این نکته اشاره دارد که یادگیرندگان با سطوح شناختی متفاوت در مشارکت با دیگران (از جمله هم‌کلاسی‌ها و معلمان) دانش خود را ارتقا می‌بخشند (ویگوتسکی، ریبیر و هال، ۱۹۹۸). میانجیگری در مفهوم منطقه تقریبی رشد و در نظریه ذهن ویگوتسکی اهمیت ویژه‌ای دارد. به عبارت دیگر، سطوح بالای تفکر در نتیجه

همچنین راهبردهای مورداستفاده در دریافت کمک، از قبل مشخص می‌شوند (پوهنر، ۲۰۰۸، شعبانی، ۲۰۱۱). در این شیوه، نشان دادن عملکرد یادگیرندگان در قالب ارقام و به عبارت دیگر کمی کردن عملکرد، شاخصی است که سرعت یادگیری افراد را نشان می‌دهد (براون و فرارا، ۱۹۸۵).

مدل‌های سنجش پویا

استرنبرگ و گریگورنکو (۲۰۰۲) با در نظر گرفتن جایگاه مداخله در رویکرد تداخلی سنجش پویا، دو مدل «ساندویچ و کیک» را پیشنهاد داده‌اند. مدل ساندویچ که بیشتر بوداف و همکارانش (بوداف و فریدمن، ۱۹۶۴، بوداف، ۱۹۶۸، کورمن و بوداف، ۱۹۷۳) از آن استفاده کرده‌اند، اساساً بر مبنای پیش‌آزمون - مداخله/آموزش - پس‌آزمون است و می‌تواند به صورت فردی یا گروهی اجرا شود. در این رویکرد، فرد میانجی دانش فعلی دانش آموز را با استفاده از یک پیش‌آزمون می‌سنجد. مداخلات کمکی را به وی عرضه می‌کند و در پایان با استفاده از آزمون نهایی مشابه پیش‌آزمون، میزان بهبود عملکرد وی را می‌سنجد. به عنوان مثال، دانش‌آموزی یک متن را با صدای بلند می‌خواند. او دو کلمه را با صدای "st" اشتباه می‌خواند. این مرحله به عنوان پیش‌آزمون عمل می‌کند. معلم با نوشتن و خواندن چند کلمه که صدای "st" دارند، توضیح کوتاهی در مورد این ترکیب می‌دهد. بعد از آن دانش‌آموز به خواندن داستان ادامه می‌دهد و معلم به نحوه خواندن کلمات دارای "st" توجه می‌کند. این همان پس‌آزمون یا آزمون مجدد است. در مدل کیک، آزمون‌گیرنده فهرستی از راهنمایی‌های از قبل آماده را در اختیار دارد و آن‌ها را از موارد ضمنی^۱ تا صریح^۲ در طول فرایند اجرای آزمون، در اختیار یادگیرندگان قرار می‌دهد. بنابراین، در مدل کیک، راهنمایی‌ها و سؤالات به صورت لایه‌لایه ارائه می‌شوند و هرگاه یادگیرنده در پاسخ‌گویی دچار مشکل شود، قبل از پاسخ به سؤال بعد، این راهنمایی‌ها در اختیار او قرار می‌گیرند (لنتلف و پوهنر، ۲۰۰۴). در بسیاری از موارد، مجموعه راهنمایی‌ها برای همه افراد یکسان هستند و تفاوت در تعداد راهنمایی‌هایی است که هر فرد دریافت می‌کند (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۱۱). تفاوت اصلی سنجش به شیوه‌های ساندویچی و کیکی در آن است که آموزش و سنجش در شکل ساندویچی مجزا هستند، اما در سنجش به شکل کیک، این دو فرایند با هم ترکیب شده‌اند.

ویژگی‌های میانجیگری در سنجش پویا

به اعتقاد آلجافره و لنتلف میانجی‌گری مؤثر باید تدریجی و مشروط باشد. در ابتدا یادگیرنده باید کمترین میزان کمک را دریافت کند. سپس در صورت نیاز کمک صریح دریافت

تعامل اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند. یعنی در نتیجه تعامل با انسان‌های دیگر و تعامل با ساخته‌های نمادین و فیزیکی مانند کتاب، رایانه، نمودار، اعداد، زبان و غیره که دیگران در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون به وجود می‌آورند (لنتلف و پوهنر، ۲۰۰۴). در سنجش پویا معلم همواره در هم‌کنشی با شاگردان قرار دارد و با ایفای نقش میانجیگری، آنان را به سوی پیشرفت راهنمایی می‌کند (هاردینگ، الدرسن و بران فات، ۲۰۱۵). معلم در جریان عملکرد دانش‌آموزان، در مواقع لزوم سخنان آنان را قطع می‌کند و برای عملکرد بهتر سؤالاتی می‌پرسد و نکاتی را گوشزد می‌کند (وین، دابر و اورس، ۲۰۱۶).

ویژگی‌های سنجش پویا

۱. در سنجش پویا دیدگاه‌های سنتی و مرسوم به آزمون‌سازی و سنجش (از لحاظ ارزیابی صرف رفتارهای معین) به صورت جدی به چالش کشیده می‌شوند.
۲. بر این نکته تأکید می‌شود که تدریس و سنجش اموری جدا از هم نیستند، بلکه درهم‌تنیده و مکمل یکدیگرند (لیدز و گندس، ۲۰۰۳).
۳. سنجش پویا در اصول با دیگر صورت‌های سنجش تفاوت دارد. در این شیوه به جای نتیجه‌یادگیری، بر فرایند شکل‌گیری توانایی‌ها تأکید می‌شود (پوهنر، ۲۰۰۹).
۴. فرایند سنجش در مداخله پویا فردی است (پوهنر، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر، نوع و میزان مداخله در این روش کاملاً با نوع مشکلی متناسب است که در عملکرد یادگیرنده شناسایی می‌شود.
۵. در این رویکرد موانع موجود بر سر راه رسیدن به سطح بهینه‌توانش شناسایی می‌شوند. همین ویژگی امکان کشف قابلیت‌های بالقوه یادگیرنده را فراهم می‌آورد (پوهنر، ۲۰۰۸).

انواع میانجیگری در سنجش پویا

لنتلف و پوهنر (۲۰۰۴) و پوهنر (۲۰۰۸) ادعا کرده‌اند، دو نوع کلی میانجیگری در سنجش پویا وجود دارد که عبارت‌اند از «کنشگر و مداخله‌جویانه»^۳. سنجش پویای کنشگر بر نوعی میانجیگری تمرکز دارد که بر مبنای هم‌کنشی و تعامل بین یادگیرنده و ارزشیاب شکل می‌گیرد. در این شیوه هیچ نقطه پایانی از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد. این شیوه به شدت به منطقه مجاور رشد فرد وابسته است و میانجیگر با توجه به نیازهای آنی یادگیرنده در طول سنجش، به آن‌ها پاسخ می‌دهد (پوهنر، ۲۰۰۸). از طرف دیگر، در سنجش پویای مداخله‌جویانه، از پیش مراحل استاندارد تعیین می‌شوند و میزان کمکی که هر دانش‌آموز دریافت خواهد کرد و نیز شیوه دریافت آن،

خواهد کرد. علاوه بر این، هر زمان که آزمون‌دهنده به مرحله خودتنظیمی نزدیک شود، دیگر هیچ کمکی لازم نخواهد داشت. پوهنر خاطر نشان کرد، میانجیگری باید با نیازهای یادگیرنده متناسب باشد. او همچنین اظهار داشت، میانجیگری باید استدلال فراگیرنده را بررسی و در تدوین طرح‌هایش به او کمک کند. همچنین، توجه او را به ویژگی‌های مرتبط با فعالیت آموزشی جلب کند، نکات و یادآورهایی را به او ارائه دهد، درگیری او را در مسئله ابقا کند، به او کمک کند با فعالیت‌های یادگیری قبلی و مشابه ارتباط برقرار کند و با ارائه بازخورد، او را برای تجدیدنظر در اقداماتش برانگیزد (پوهنر، ۲۰۰۸).

تفاوت سنجش پویا و تکوینی

به نظر می‌رسد، شیوه‌ها و اصول کلاس درس در سنجش پویا و تکوینی هدف مشترکی داشته باشند و آن هم بهبود یادگیری از طریق فعالیت‌های سنجش است. با این حال بین این دو تفاوت‌های اساسی وجود دارد. اول اینکه آنچه سنجش پویا را از سنجش تکوینی متمایز می‌کند، حساسیت نسبت به حوزه تقریبی رشد است که مستلزم مشارکت از طریق گفت‌وگو بین میانجیگر و یادگیرنده است. دوم آنکه در سنجش تکوینی آزمون‌گیرنده دانش‌آموزان را در خلال یک فعالیت یادگیری خاص پشتیبانی می‌کند، در حالی که در سنجش پویا ممکن است فعالیت‌های یادگیری با توجه به پیچیدگی نسبی‌شان سازمان یابند و میانجیگر انواع مناسب میانجیگری را فراهم کند. (پوهنر، ۲۰۰۸) اشاره کرده، این دو رویکرد به سنجش، نمونه‌تمایز اساسی بین بازخورد و میانجی‌گری هستند.

جمع‌بندی

سنجش پویا رویکردی نوین بر مبنای نظریه منطقه تقریبی رشد ویگوتسکی است. در این رویکرد، با بهره‌گیری از مداخلات آموزشی پویا، موانع یادگیری شناسایی می‌شوند و بر اساس آن‌ها سطح بهینه توانش یادگیرندگان ارزیابی می‌شود. سپس بر اساس ارزیابی توانایی‌های بالقوه ایشان، بهترین مسیر برای توسعه شناختی و ارتقای یادگیری از طریق مداخله پیشنهاد می‌شود و یادگیرندگان به سمت سطوح بالاتر کارکرد هدایت می‌شوند. در این مداخله آموزشی، معلم به‌عنوان شخصی داناتر، نقش واسط و میانجی دارد. او در تعاملات اجتماعی با دانش‌آموزان، مشکلات آنان را شناسایی و با بهره‌گیری از بازخوردهای مداخله‌ای، آنان را برای رسیدن به سطح بهینه توانش مساعدت می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Dynamic Assessment
2. Zone of Proximal Development (ZPD)
3. Mediation
4. Static or non-dynamic assessment(NDA)
5. Leading questions
6. Metacognitive prompts
7. Interactionist
8. Interventionist
9. Implicit
10. Explicit

منابع

۱. توسلی، کبری؛ نیک‌مرد، فاطمه (۱۳۹۸). تأثیر سنجش پویا بر عملکرد زبان‌آموزان در فعالیت‌های انتخابی و تولیدی درک مطلب خواندن. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، از صفحه ۴۴۵ تا ۴۷۸.
 ۲. جعفری‌گهر، منوچهر؛ کرمی، مهدی (۱۳۹۴). بهبود راهبردهای خواندن و درک مطلب انگلیسی دانش‌آموزان دبیرستان از طریق ارزشیابی پویا. نشریه علمی - پژوهشی فناوری آموزش، جلد ۱۰، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۴، از صفحه ۱۱ تا ۲۴.
 ۳. خمیجانی فراهانی، علی‌اکبر؛ میرزایی، غلامرضا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ارزشیابی پویا بر یادگیری ترکیب‌های لغوی متجانس و غیرمتجانس در زبان‌آموزان ایرانی زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، از صفحه ۷۸۹ تا ۸۱۴.
 ۴. زارع بهتاش، اسماعیل؛ فرخی‌پور، سجاد (۱۳۹۸). بررسی تأثیر مداخله پویا بر توانش زبان‌آموزان در تعبیر آرایه‌های معنوی متون ادبی: مطالعه موردی آثار ادگار آلن پو. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، از صفحه ۴۹۳ تا ۵۱۳.
 ۵. شاهسوار، محبوبه؛ علوی، محمد؛ نوروزی، محمدحسین (۱۳۹۷). ارزشیابی پویا دانش کاربردشناسی: با تکیه بر کنش‌های گفتاری عذرخواهی و درخواست. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۸، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، از صفحه ۱۸۷ تا ۲۰۵.
 ۶. فرخی‌پور، سجاد؛ خوش‌سیما، هوشنگ؛ سارانی، عبدالله؛ گنجی، منصور (۱۳۹۸). تبیین و بررسی انگاره بومی ارزشیابی پویا در شناخت و رفع مشکلات یادگیری مهارت‌های زبانی مولد در دانش‌آموزان متوسطه. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، از صفحه ۱۲۰ تا ۱۳۴.
 ۷. یعقوبی، مهدی؛ رزمجو، آیت‌الله (۱۳۹۹). اثرات و نحوه ارزیابی پویا، ارزیابی پویای رایانه‌ای، ارزیابی ایستا و درک مطلب. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۴، شماره ۴۹، تابستان ۹۹، از صفحه ۲۵ تا ۳۹.
- بقیه منابع در دفتر رشد فناوری آموزشی موجود است.



معرفی پیوند
مقاله مکمل